

۱۳۰



امیر علیزادگان : تاریخچه نئاتر در تبریز

(به نقل از تارنمای «دائرة المعارف شهر تبریز»)

<http://www.tabrizinfo.com/>



شهر ساختار فرهنگ مشاهیر جغرافیا آمار و ارقام پیوندها ما در باره

تاریخ ورزش آزاد تریبون صنایع روز شمار جنبشها

عکس گالری تبریز از نگاه دیگران امروزی تلاشگران نگاه تبریز در یک

چند توضیح لازم، پیش از آوردن اصل مطلب :

۱- عکسها از « گالری عکس » همین تارنما گرفته و در لابلای مطلب، افزوده شده اند؛

۲- برای دیدن عکسهای دیگر به نشانی ها مراجعه کنید :

مشاهیر

<http://www.tabrizinfo.com/tabriz/aks-mashahir/index.html>

مشروطیت در تبریز

<http://www.tabrizinfo.com/tabriz/aks-mashrotiyat/index.html>

فرقه دموکرات

<http://www.tabrizinfo.com/tabriz/aks-ferghe/index.html>

عکسهای یادگاری

<http://www.tabrizinfo.com/tabriz/aks-yadegari/index.html>



تاریخچه تأثر در تبریز

زمینه

گسترش و نفوذ سیاستهای استعماری دولتهای تازه به قدرت رسیده اروپا، توسعه طلبی تزارهای روسیه در شمال ایران به صورت مسابقه ای خطرناک برای دستیابی هرچه سریع تر به آبهای گرم هند درآمده بود. جنگهایی که توسط استعمارگران اروپائی و همچنین روسیه تزاری افروخته شده بود، منجر به جدائی بخشهایی از ایران گردید. بخشهای جدا شده پیش از بروز جنگهای ایران و روس جزئی از سرزمین ایران به شمار می آمد، پس از شکستهای نظامی سنگین قشون ایران که به دستگیری و نقشه مشترک انگلیس و دیگر کشورهای خارجی حاصل شد. دو معاهده گلستان - منقده در گلستان قره باغ، و ترکمانچای - منقده در ترکمانچای آذربایجان ایران - توسط امپراطوریه های بزرگ بر دولت وقت و ملت ایران، به ویژه مردم آذربایجان تحمیل گردید که به موجب اولین



معاهده، بخش بزرگی از سرزمین قفقاز به روسیه ملحق شد و براساس دومین معاهده مرز فعلی ایران و شوروری تعیین گشت، اما نتایج این دو عهدنامه نتوانست عامل جدائی مردمان دو سوی رود ارس باشد. مردمان ساکن هر دو آذربایجان و گرجستان و ارمنستان علیرغم برخورد های تحریک آمیزی که با هم در طول سالها همجواری داشته اند، همواره تاریخ مشترک دیرینه خود را دارند. آذربایجانیان، ارمنه و گرجیان ریشه های مشترکی در زمینه مسائل عاطفی، خانوادگی، فرهنگی و قومی یکدیگر داشتند که جدائی سیاسی بهیچوجه قدرت خشکاندن این ریشه ها را ندارد. هنوز پیرمردان و پیرزنان آذربایجانی به یاد دارند که به علت ناامنی راه خراسان و قتل و غارت مسافران، همه ساله از راه باکو، زوار را به زیارت می فرستادند. مدارس به شیوه اروپائی در گرجستان، باکو، تفلیس و ایروان همواره مرکز علمی و فرهنگی بودند که آذربایجانیان

ایران‌فرزندان خود را روانه آن دیار می‌کردند. و چه بسیار بودند کسانی که هنگام بازگشت به وطن همراه با افکارنو و مترقی باز می‌گشتند. بیشتر شهرهای نفت‌خیز و صنعتی قفقاز پناهگاه مردمی بود که زیر فشار و بیکاری و تنگدستی بودند و ایرانیان آذربایجانی که ستم دولت مرکزی را پس از مرزبندی جدید احساس کردند، بیش از پیش به قفقاز و کار در معادن و کارخانه‌ها و تأسیسات صنعتی آنجا رغبت نشان دادند. وضع نابسامان دولت قاجار در



مرکز، عدم امنیت منطقه، ظلم و ستم بی‌حد حکام در ولایات و به ویژه ستم مضاعفی که مردم آذربایجان به یمن ولیعهد متحمل می‌شد، به صورتی روزافزون بیکاری، تنگدستی، و درگیری روستائیان و طبقات خرده‌پای تهیدست شهری را آشکار می‌کرد. و این گروه‌ها نیز آخرین چاره را برای زنده ماندن در مهاجرت به آن سوی ارس و یا به قولی در وطن دومشان می‌دانستند. ناگفته پیداست این افراد که دائم در رفت و آمد بین ایران و ماورای قفقاز بودند، جریان ژرف و عظیمی از مبادله فرهنگی و فکری را با خود و به دنبال خود پدید می‌آوردند. بخصوص اگر توجه داشته باشیم که روسیه خود در جریان فرهنگ‌پذیری از اروپا بود. آذربایجان روسیه، ارمنستان و گرجستان نیز از چنین تأثیری به دور نمانده و پدیده‌های تازه آنرا در مظاهر مختلف زندگی مردمان خود نمایان می‌کرد و طبیعی است که به مهاجران و مسافران نیز منتقل می‌شده است. و مهمتر از این مسافرانی که پس از اندوختن پول، آهنگ یار و دیار می‌کردند، همه در بازگشت حاملان فرهنگ نوین و جدیدی بودند که در آنسو، دیده، شناخته و یا بدان خو کرده بودند. و اینها همه زمینه را برای پذیرش و درک ضرورت‌های بنیادی و تغییر و تحولات اجتماعی در آذربایجان ایران آماده می‌ساخت تا ارتباطات غنی فرهنگی، هنری و فکری پدیدار شود و نیز زمینه را برای اندیشمندان که پا به میدان آموزش مردمان تشنه به آگاهی نهاده بودند آماده‌سازد. با توجه به آمد و شدهای مسافران در قبل از مشروطیت ایران و بعد از آن می‌توان ذکر کرد که علاوه بر حرکات و جریانهای فکری که به دلیل انتقالات عادی گروههای بزرگی از مردم انجام می‌گرفت. نویسندگان و به ویژه قلم‌زنان مطبوعات نقش چشمگیری در انتقال فرهنگ جدید و از آن رهگذر ضرورت‌های اجتماعی و بیداری و آگاهی مردم ایفا کردند و این نقش بدون در نظر گرفتن ستم ملی و مسائل ناشی از آن نظیر زبان و برخورد ملیت‌ها چندان برجسته نخواهد بود. آذربایجان ولیعهدنشین از اوان سلطنت قاجار مورد توجه سیاستمداران و روشنفکران و مدافعین مردم این دیار بوده است. این منطقه در داد و ستد و مبادلات فرهنگی و سیاسی و اخذ آگاهی، به علت موقعیت خاص جغرافیائی، قومی و تاریخی خود، نسبت به دیگر نقاط ایران امکانات بیشتری داشته است. (۱)

جنبش مشروطین ایران و قیام و مقاومت دلیرانه تبریزاوج این حرکت است، و حتی حرکت روشنفکران ساکن آن سوی ارس به آذربایجان جنوبی، چه در اوج نهضت مشروطیت و چه بعد از آن تأثیر بسیار در پدید آوردن زمینه مناسب برای تحولی فرهنگی بود. نشریات، کتابها، شبنامه‌ها، گروههای فرهنگی، اشعار، مقالات، سیاسی، تبلیغی و تهییجی، اشاعه فرهنگ جدید و یاری‌رساندن به مردم آذربایجان جنوبی بخصوص تبریزجریانی فرهنگی را به

وجود می‌آورد. نمونه‌های بارز آن را در روزنامه‌های معروف آن زمان از جمله ملانصرالدین و اعلامیه‌های فرقه اجتماعیون عامیون و گسیل گروه‌های فرهنگی، موسیقی و تئاتر، جهت اجرای برنامه‌های متنوع و معرفی آثار نویسندگان روسی و اروپا به ایرانیان مخصوصاً آذربایجانیان می‌توان یافت.

ظهور

در یک بررسی کلی این مسأله به وضوح روشن می‌شود که ریشه فعالیت‌های تئاتر تبریز بیرون و در خارج از کشور قرار داشت و نزدیکی فرهنگی و قومی و همجواری آذربایجان ایران با آن طرف رود ارس زمینه را برای ظهور تئاتر تبریز مساعد می‌کرد که هنرمندان تئاتر آذربایجان شمالی نمایشنامه‌هایی در این سوی ارس اجرا کنند. یادداشتی که در زیر می‌آید حکایت از اجرای نمایشنامه اتللو نوشته ویلیام شکسپیر در تبریز می‌کند. بدیهی است این اجرا و اجراهای دیگر می‌تواند معلول عوامل سیاسی، تاریخی و فرهنگی دوران قبل از مشروطیت در ایران باشد که بدون شناخت آن عوامل نمی‌توان علت اجرای این نمایشنامه را در تبریز جدی گرفت.

در یادداشت ارائه شده همچنین دیده می‌شود که یک کمدی نیز همراه نمایشنامه اتللو به زبان ترکی آذربایجانی اجرا شده است. اما نامی از کمدی در یادداشت دیده نمی‌شود. قسمتی از یادداشت مزبور را با عنوان «کاغذ از تبریز» نقل می‌کنیم تا به تجزیه و تحلیل آن بپردازیم.

«جماعت ارامنه چند سال است در زیر سایه مرحمت‌عالی حضرت اقدس همایون شاهنشاه ایران و از توجهات بلند حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا ولیعهد صاحب اختیار مملکت آذربایجان در حیاط مکتب ملتی ارامنه، توی قلعه سالن مخصوصی درست کرده و هر سال دو سه بار در آنجا اسباب تیاتر فراهم آورده، منابع آن را به مخارج مکتب مذکور می‌رسانند. امسال نیز مسیو صفرازیان نامی از ملت ارامنه و در عمل تیاتر دارای مهارت تمام است با زن خود و دیگر عملجات از مملکت روس وارد تبریز شده شب ششم ماه ربیع‌الاولی مجلس تیاتری در نهایت خوبی فراهم آورده. درام‌اتیللو شکسپیر را که از درام‌های مشهور است و یک کومیدی با مزه نیز به لغت ترکی داده شد که زیاده بر آنچه تصور است موجب انبساط خاطر حضار با احترام گردید. شب تیاتر بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم آقای امیر نظام مدظله‌العالی که پیوسته همت بلندشان مستحضر به ترقی تمدن و معارف و سیویل‌زاسیون (۲) مملکت است با بسیاری از بزرگان و خوانین معظمه ولایت تشریف‌فرمای تیاتر شده از فراهم آوردن مجلس تیاتر اظهار خوشنودی و مباشرین تیاتر را مورد نوازش داشته مبلغ هفتاد تومان به رسم انعام به مکتب مذکور و دو طاقه شال نیز به مسیو صفرازیان و زنش و یک طاقه شال هم به مباشر تیاتر مرحمت فرمودند.

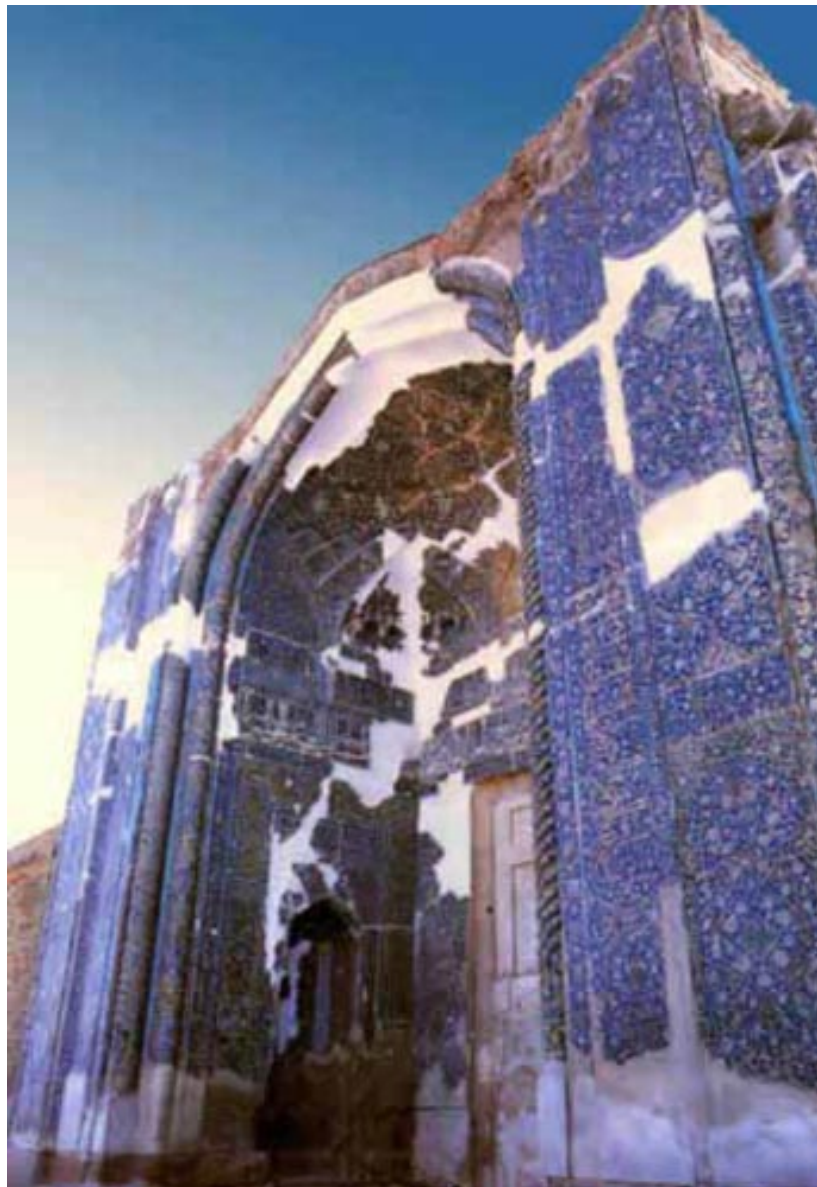
باری مسیو صفرازیان خیال دارد که دو سه بازی دیگر در تیاتر مذکور به موقع تماشا بگذارد و در پی فراهم آوردن اسباب آن است. از قراری که مذکور می‌داشت گفتگوی مجالس بازی، خواه درام و خواه کومیدی به لغت ترکی که زبان مادرزاد اهالی آذربایجان است خواهد بود که تمامی حضار محترم را از موضوع و محمول مطلب آگاهی حاصل باشد.» (۳)

امضای نویسنده نامه - یکی از بندگان خدا

تاریخ ۲۳ ربیع‌الآخر ۱۳۰۶ برابر ۲۶ دسامبر ۱۸۸۸ میلادی

در تجزیه و تحلیل این یادداشت مطالب زیر قابل تأمل و تعمق است:

۱- یادداشت تعیین می‌کند قبل از اجرای نمایشنامه‌اتللو در سال ۱۸۸۸ میلادی نمایشنامه‌های دیگری نیز توسط ارامنه در تبریز اجرا می‌شده است که ما از کم و کیف اجرای آنها بی‌اطلاع هستیم ولی از محتوای یادداشت معلوم می‌شود که قبل از ۱۸۸۸ م تأثیر توسط ارامنه در تبریز وجود داشته و همین پشتوانه فرهنگی و هنری سبب شده است که نمایشنامه‌ای چون اتللو در تبریز اجرا شود.



۲- یادداشت فوق مورد دیگری را نیز بر ما معلوم می‌کند. و آن اینکه در سالن «قلعه» (۴) امکان اجرای نمایشنامه‌های سنگین با تعداد زیاد بازیگران وجود داشته است که نمایشنامه اتللو در آن سالن اجرا می‌شود.

۳- اجرای نمایشنامه اتللو توسط مسیو صفرازیان در تبریز بدون بازیگر زن و بازی زنان به هیچ وجه امکان نداشت. این اجرا و دیگر آثاری که توسط هنرمندان قفقازی در شهر تبریز اجرا می شده است، این مهم راروشن می سازد که هنرمندان زن علیه سنن اجتماعی آن دوره که پذیرش به صحنه رفتن آنان را نداشتند، شجاعت نشان داده و علیه برخی تصورات و تفکرات ایستا به مبارزه برخاسته است. البته ناگفته نباید گذاشت که نقش زنان را در این دوره و دوره های بعد، عمدتاً بازیگران و هنرمندان ارمنه ایفا می نموده اند.

۴- بدون شک هنرمندان تئاتری که از قفقاز وارد تبریز می شدند، آگاهی دست اندرکاران محلی و علاقمندان به تئاتر را از نظر محتوا و تکنیک به صحنه بردن نمایش بالا می بردند، به طوریکه تئاتر روسیه از تئاتر اروپائی تأثیر پذیرفت و آن تأثیر به تئاتر تفلیس انتقال یافت، همانگونه نیز تئاتر تبریز از تئاتر تفلیس متأثر گردید.

۵- در قسمتی از یادداشت آمده است «... امسال نیز مسیو صفرازیان نامی از ملت ارمنه و در عمل تیاتر دارای مهارت تمام است... از مملکت روس وارد تبریز شده... درام او تللو... به لغت ارمنی... و در ختام درام، کومیدی بسیار با مزه به لغت ترکی داده شد...» اجرای نمایشنامه کمدی به زبان ترکی بیانگر آن است که بازیگران به زبان ترکی آشنائی داشته اند و منظور از کلمه روس همان نواحی ارمنستان و قفقاز است که بازیگران به زبان ترکی که همانا ترکی آذری است آشنائی کامل داشته اند.

دومین سند تاریخ تئاتر تبریز یک کتابچه بیست صفحه ای تحت عنوان «به مناسبت جشن چهلمین سال نمایش در تبریز» است که از طرف هیئت هنرپیشگان درام و اپرت فردوسی تبریز در مهرماه سال ۱۳۲۱ شمسی برابر با سال ۱۹۴۲ میلادی به چاپ رسیده است. محتوای کتابچه فوق شامل شرح حال بازیگران و دست اندرکاران درام و اپرت فردوسی است. سند اول (کاغذ از تبریز) اجرای نمایشنامه اتللو را سال ۱۸۸۸ میلادی ذکر می کند، سند دوم که به مناسبت جشن چهلمین سال نمایش در تبریز به چاپ رسیده سال ۱۹۴۲ میلادی را قید می کند. اگر چنانچه از تاریخ ذکر شده در سند دوم چهل سال به عقب برگردیم سال ۱۹۰۲ میلادی را داریم که می توان آنرا آغاز فعالیتهای نمایشی در تبریز دانست. با مقایسه دو سند، شاهد چهارده سال خلاء در تئاتر تبریز هستیم، گرچه اسناد و مدارک موثقی از چگونگی فعالیتهای نمایشی چهارده ساله یعنی از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۰۲ میلادی در دست نداریم اما با توجه به فعالیتهای هنری ارمنه و نمایشنامه هائیکه از آن سوی ارس وارد تبریز می شد، تئاتر در این مدت رونقی داشته است. همچنین جعفر اخگری در مقاله ای می نویسد: «نخستین تئاتر حرفه ای در آذربایجان جنوبی در سال ۱۹۰۹ میلادی ایجاد شد. در تبریز در سالن تابستانی باغ ملی (۵) به افتخار ستارخان و مبارزه مجاهدان مشروطه نمایش داده شد.» (۶)

مقاله جعفراف این مساله را روشن می کند که تئاتر حرفه ای تبریز در سال ۱۹۰۹ میلادی شکل گرفته است. پیداست قبل از این تاریخ نیز فعالیتهایی در تبریز وجود داشته که حرفه ای نبوده و هنرمندان محلی به صورت غیر حرفه ای تحت تأثیر اجراهای آذربایجان شمالی و عثمانی، نمایش هائی به صحنه می بردند.

در سال ۱۲۹۱ شمسی شاهد گرد آمدن چند نفر از افراد با ذوق و روشنفکر هستیم؛ این افراد در همین سال به جهت ضرورت های اجتماعی یک هیئت آکتورال (۷) بنام «خیریه» را تأسیس می کنند. لازم به یادآوری است افراد این

«آکتورال» قبلاً نیز در زمینه تئاتر تجربیاتی کسب نموده بودند، حتی قبل از اینکه آکتورال خیریه را تشکیل دهند و در چندین اجرای هنرمندان قفقازی در تبریز شرکت کرده بودند. آکتورال خیریه اولین گروهی است که رسماً با



مراسم سلام مظفرالدین میرزا ولیعهد در تبریز. محل برگزاری سلام عمارت حرم خانه در کاخ عالی قاپوی آن شهر است. دهه ۱۳۰۰ هـ. ق

گردهمایی هنرمندان و روشنفکران محلی تشکیل و آغاز به فعالیت می کند. مؤسسين آکتورال خیریه عبارتند از:

۱- حاجی خان چلبی

۲- مهدی شفیع زاده

۳- ابوالفضل مؤیدزاده

۴- اسماعیل وکیلی

۵- وهاب زاده

۶- عظیم زاده

پس از تشکیل آکتورال خیریه نمایشنامه ها به طور مرتب از سوی این هنرمندان در محل سینما «سولی» یا صحنه تابستانی خیریه به معرض تماشا گذاشته می شود.

بعد از تشکیل خیریه، آکتورال تبریز بوجود می‌آید. این گروه در سال ۱۲۹۶ شمسی تشکیل می‌شوند. آکتورال تبریز تحت نظارت و سرپرستی رضاقلی زاده معروفه به «شرقلی» فعالیت می‌کرد. در خلال سالهاییکه آکتورال تبریز به فعالیت مشغول بود آکتورال دیگری نیز از ارامنه تبریز به سرپرستی و نظارت مسیومگردیچ طاشچیان و با همکاری سایر ارامنه از جمله همسر وی تأسیس می‌شود. اغلب دو گروه با یکدیگر همکاری صمیمانه و نزدیک داشته‌اند و مشکلات زمانه خود را به یاری یکدیگر حل می‌کردند. در ادامه فعالیت گروههای تئاتری تبریز تا پایان سال ۱۲۹۹ شمسی از اعلان (۸) هائیکه به عنوان آگهی در روزنامه‌های آندوره به چاپ رسیده‌اند. کمک می‌گیریم تا مطالبان سیرمنطقی خود را حفظ نموده و نگارش تاریخچه تئاتر تبریز مبتنی بر اسناد باشد. این اعلان‌ها و همچنین مطالب دیگر تئاتری که در روزنامه‌های آندوره به چاپ رسیده‌اند همگی در بررسی تاریخچه تئاتر تبریز کمک‌فراوانی می‌کنند.

با مراجعه به روزنامه تجدد ارگان حزب دموکرات آذربایجان، شماره ۴۵ تاریخ پنجشنبه ۱۶ ذیحجه الحرام ۱۳۳۵ مطابق با چهارم اکتبر ۱۹۱۷ میلادی این خبر به چشم می‌خورد: «به منفعت حریق‌زدگان ارومی در صحنه آرامیان به اشتراک آرتیست‌های مسلمین تفلیس نمایش کاوه آهنگر به موقع تماشا گذاشته خواهد شد. ارباب همت را به اشتراک این نمایش تشویق می‌نمائیم».

اعلان بالا سند دیگریست که نشان می‌دهد، گروههای تئاتری آذربایجان شمالی، چه قبل از مشروطیت و چه بعد از اعلام آن، همزمان با فعالیت سوسیال دموکراتهای قفقازی، فعالیت تئاتری خود را در تبریز گسترش داده‌اند.

دومین خبر از روزنامه تجدد بدین شرح چاپ شده است: (۹)

«تباطر آرامیان ۵ شنبه ۱۲ دکابر ۱۹۱۷ مصادف با ۱۹ ربیع الاول ۱۳۳۶ تشکیل شد. نمایش به منفعت فقرای مسلمین شهر تبریز بود».

خبر پائین از همکاری یکی از کارگردانان قفقازی بادست‌اندکاران تئاتر تبریز حکایت می‌کند. (۱۰)

«شب جمعه ۲۶ شوال‌الکرم که در صحنه جمعیت خیریه که به تازگی برای رفع نواقص اوپرا سقفش پوشیده شده است بهترین نمایشهای عاشقانه تاریخی وادبی عالم از طرف آقتورهای دراماتیک خیریه در تحت رژیسوری، رژیسور نامی قفقاز جناب صدقی روح الله آرتیست اوپرای مشهور لیلی و مجنون به موقع تماشا گذاشته خواهد شد».

روزنامه تبریز بعد از سه روز در ارتباط با اجرای فوق‌اعلانی دیگر بدین مضمون چاپ کرده است:

«لیلی و مجنون در شش پرده از شاعر شهید ترک‌فضولی که موسیقی آن از عزیز حاجی بیکوف است شب جمعه ۲۶ شوال در صحنه خیریه از طرف هیئت آقتورهای خیریه در تحت رژیسوری جناب صدقی روح‌الله (۱۱) به موقع تماشا گذاشته خواهد شد» (۱۲)



ورود ستارخان و باقرخان به تهران از راه دروازه گمرک

با نقل پنجمین اعلان تئاتر از روزنامهٔ تجدد پی‌بوجود گروه دیگری بنام «هیئت نشر صنایع» می‌بریم: (۱۳)

«... نمایش شب شنبه ۱۰ ذیحجه ۱۳۳۷ در صحنهٔ آرامیان بهترین نمایشهای ادبی عالم اوپرای مشهور عاشقانه اصلی و کرم به منفعت مدرسه جدیدالتأسیس اناثیه در محله کوچه باغ. اولین دفعه‌ایست که در شهر تبریز این اوپرای عالی در شش پرده و چهار مجلس که موسیقی آن از عزیزبیک حاجی‌بیک اوف می‌باشد- بانیکوترین و جاذب‌ترین نغمات و الحاق موسیقی بالباسهای مخصوص شیک و قشنگ از طرف آقتورهای نشر صنایع به موقع تماشا گذاشته می‌شود بیشتر ز چهل نفر اشتراک خواهند کرد.»

در ادامه فعالیت‌های تئاتر تبریز باید از آکتورالی بنام آذربایجان که قبلاً با نام تبریز فعالیت می‌کرد نام برد. در سال ۱۲۹۷ و اوایل ۱۲۹۸ شمسی آکتورال تبریز به سرپرستی رضا قلی‌زاده تغییر نام داده و با نام «آذربایجان» و با همکاری بیوک خان نخجوانی به اجرای نمایشنامه‌ها می‌پردازد. اعلان زیر یکی از نمایشنامه‌های اجرا شده از سوی این گروه را اعلام می‌کنند: (۱۴)

«شب جمعه ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ از سوی دسته آرتیستهای دراماتیک آذربایجان بنابه تقاضای جمعی از معارف شهر به منفعت روزنامه تجدد در صحنه آرامیان نمایشنامه «مکافات یا خود سزای عمل» فاجعه در چهار پرده از رضا قلی‌زاده»

اگر مجدداً اعلاهای درج شده در روزنامهٔ تجدد را مرور کنیم عناوین زیر جلب نظر می‌کنند:

«نمایش به منفعت حریق‌زدگان»، «نمایش به منفعت‌روزنامه‌تجدد» یا «نمایش به منفعت فقرای مسلمین» و «به منفعت مدرسه جدیدالتأسیس انائیه».



عناوین نقل شده از آگهی‌ها این مهم را برای ما روشن می‌سازد که فعالان تئاتری با جامعه در ارتباط بوده و درآمد تئاترها در همان راه نیز خرج می‌شده است.

گزارش دیگری از روزنامه‌تجدد را نقل می‌کنیم که خبر از جمعیت جدیدالتأسیس به نام «نشر معارف» می‌کند. جمعیت مذکور به سرپرستی شخصی به نام عبدالله‌زاده اداره می‌شد. همان روزنامه از اجرای نمایشنامه «وطن» که توسط گروه نشر معارف به روی صحنه آمده، یک «تحلیل و تشریح سطحی» به چاپ رسانده که به ذکر قسمتی از آن می‌پردازیم:

«شب جمعه جمعیت جدیدالتأسیس نشر معارف یک نمایش قابل اعتناء و تقدیری داد. صنعتکاران جمعیت مذکوره فاجعه وطن را به موقع تماشا گذاشتند. این اثر از آن شاعر شهید عثمانی «نامق کمال‌بیک» می‌باشد. برای جلب قارئین محترم به قسمت ادبیۀ تماشای شب جمعه می‌رویم به یک تحلیل و تشریح سطحی اثر مذکور پرداخته بدینوسیله زحماتی را که برای تمثیل اثر مذکور صنعتکاران جوان نشر معارف به خود داده‌اند تا مشکوره بگذاریم...» (۱۵)

در بررسی تاریخ تئاتر تبریز در روزنامه تبریز به اعلان دیگری برخوردیم که حمایت از وجود گروهی دیگر با نام «امید ترقی» می‌کند. اعلان در شماره ۸۹ مورخه سه‌شنبه یکم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ مطابق دوم قوس ۱۲۹۸ به شرح زیر چاپ شده است:

«شب جمعه از طرف هیئت امید ترقی در صحنه آرامیان اولین دفعه در این فصل به موقع تماشا گذاشته خواهد شد، تراژدی پرویزبیک - یا خود - فداکار حریت در چهار پرده و با یک پرده مضحکه پر خنده. قیمت بلیط خیلی مناسب است، لوژ از ۶ تومان الی ۲ تومان پائین‌تر از ۲۰ قران الی ۴ قران، مدیر مسئول ح. محمدزاده، رؤسور علی علیزاده.»

مهمترین مسأله‌ای که در اعلان فوق به چشم می‌خورد بلیط است که شصت ریال فروخته می‌شد؛ با توجه به زمان فروش و بهای بلیط علاقه مردم و با ارزش بودن تئاتر در آن دوره بر ما معلوم می‌گردد. لازم به تذکر است هزینه‌های تئاتر از ابتدا در تبریز به وسیله گردانندگان آکتورال‌ها و از محل فروش بلیط، که اکثراً بلیط‌های گران‌قیمت، به وسیله فرهنگ دوستان آذربایجانی خریداری می‌شد، تامین می‌گردید و تنها دوره‌ای که تئاتر دولتی شد و بودجه مخصوص به خود را داشت و بازیگران آن حقوق‌بگیر دولت بوده‌اند، سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ شمسی بوده است. روزنامه تجدد در شماره ۱۷۹ اعلانی به مضمون زیر درج کرده که باز از فعالیت ارامنه تبریز در تئاتر خبر می‌دهد:

«شب جمعه ۶ حمل مطابق ۵ رجب‌المرجب ۱۳۳۸ از طرف هیئت محترم آکترهای ارامنه در تحت اداره و نظارت بارون آواک، ملک ابراهیم‌یانس، شمس آردانظربیک‌یانس، سه راک ادانیانس، پیس موسوم به برای شرف در چهار پرده اثر الکساندر شروانزاده در صحنه آرامیان، به شرف فرقه دمکرات ایران و فرقه دمکرات ارامنه به موقع تماشا گذاشته خواهد شد.»

خبر فوق، اولین خبر درباره فعالیت ارامنه تبریز در تئاتر نیست. ارامنه در بوجود آوردن تئاتر در شهر تبریز نقش بسیار مهمی به عهده داشته‌اند. لکن نبود منابع موثق و مدارک کافی ما را از نوشتن فعالیت‌های تئاتری ارامنه باز می‌دارد. در ادامه فعالیت‌های ذکر شده در تئاتر تبریز با فصل جدیدی روبرو می‌شویم. این فصل با اجرای نمایشنامه‌هایی از سوی کمیته ایالتی حزب دموکرات آذربایجان که در رأس آن افراد مبارزی چون شیخ محمد خیابانی و تقی رفعت قرار داشته‌اند، آغاز می‌گردد. این فصل را بدان جهت جدید می‌نامیم که یک تشکیلات سیاسی در عرصه مبارزاتی خود به تئاتر نیز نگاه دارد. حزب دموکرات آذربایجان در عرصه مبارزاتی خود، شکل فعالیت و همچنین تهییج نمودن مردم را تنها از طریق روزنامه، اعلامیه و سخنرانی‌ها کافی ندیده، به تئاتر نیز نظری داشته است. حال فعالیت تئاتری حزب دموکرات آذربایجان را عیناً از روزنامه تجدد، ارگان خود حزب، نقل می‌کنیم:

«شب ۱۴ ماه که مصادف با روز افتتاح دارالشوری ملی بود، تجدد، مجمع فرقه دموکرات ایران، آذربایجان، آن مرکز اجتماع آزادی و حاکمیت ملت، قبل از همه پانزدهمین جشن افتتاح پارلمان را تجدید کرده و آئین‌بندی با شکوهی به عمل آورد. پس از آن نسیم لطیف و روح‌افزای حریت در سرتاسر شهر به اهتزاز درآمده احساسات اهالی را، که در تحت فشار ظالمانه مکرملوک‌ها و جلال لشگرها افسرده شده بود، مجدداً بیدار ساخته به چراغانی بازار و دکاکین قیام و جشن استقرار مشروطیت را برپا داشتند.»

در ادامه مطلب در صفحه دوم همان روزنامه می‌خوانیم:

«... یک اثر تجدد در عالم تئاتر (۱۶) در شب چهاردهم ماه جاری دمکراتهای تبریز در عالم تئاتر اولین قدم تجددخواهانه را پیش گذاشته، در این اولین دفعه، یک موفقیت شایان قید و تذکار و یک کامیابی قابل تقدیر و تقدیس را نائل گردیدند. در شب مذکور یک اثر جدید، یک پیس تازه، از طرف آکتور و آکتریس‌های قابل، بایک حدیث و اهتمام کافی به منفعت جریده تجدد به‌صحنه تماشا گذاشته شد در حالتی که عمومی تماشاگران، منحصرأ از افراد فرقه دموکرات و تشکیلات تبریز بودند، در یک محوطه خصوصی و یک محیط صمیمی این نمایش صنعتی و تماشای عبرت‌آمیز موجدبهرترین تجسّسات و مولد عالی‌ترین تأثرات واقع شد. این حادثه که هم حائز یک جنبه صنعتی و ادبی و هم‌دارای یک جهت اجتماعی و مفکور وی بود، در صحنه مخصوص جمعیت محترمه «خیریه» به وقوع آمد و گذران یافت. سالون خیریه یا افراد تشکیلات فرقه دموکرات که در خریدن بلیطهای تئاتر در حوزه‌ها به‌همدیگر سبقت بسته در این زمینه یک نوع حرارت وجدیت صادقانه و شایسته تبریک و تمجیدی را به‌بروز رسانیده بودند.»

نویسنده این گزارش در پایان مطلب خود می‌نویسد:

«چنانچه در اول سطرها اشاره به آن کردیم، این نمایش خصوصیتی داشت و فقط به افراد فرقه دموکرات تنه‌امنحصر بود. بنابراین در میان دو پرده مدیر محترم روزنامه تجدد با بیاناتی موافق این نکته را شرح و بسط دادند و مدیر محترم ما درباره تئاتر، این شکل ثالث تبلیغات تجددخواهانه اشاره کرد و نظریات اساسیه فرقه را راجع به کیفیت و شرائط اینگونه نمایشها احراز نمود. نمایش دمکراتیک شب چهاردهم از هر حیث یک نمایش موفقانه و یک ابتدا و آغازی بود که با یک کامیابی فوری وصول بر یک موفقیت کاملتر و شامل تری را نوید می‌داد (۱۷)...



ادامه فعالیت تئاتری حزب دمکرات آذربایجان را بانقل اعلان دیگر به پایان می‌بریم:

«شب جمعه ۳ ثور ۱۲۹۹ شمسی مطابق ۳ شعبان ۱۳۳۸ هجری در تحت نظارت و مساعدت فرقه مقدسه دموکرات تبریز از طرف آرتیستهای مشهور دراماتیک آذربایجان پیس مشهور «نادرشاه» دراما چهار مجلسی هفت پرده اثر نریمان -نریمانف به منفعت «روزنامه برجیس» (۱۸) به موقع تماشا گذاشته خواهد شد. بلیطافتخاری برای آقایان آزادی خواه فرستاده خواهد شد.» این اعلان آخرین سند ما از فعالیت دست‌اندرکاران و گروههای تئاتر تبریز تا پایان سال ۱۲۹۹ شمسی یعنی چند ماه قبل از کودتای رضاشاه پهلوی بوده است. به این ترتیب تاریخ فعالیت تئاتر تبریز و گروههای موجود از ابتدا تا ۱۲۹۹ شمسی به پایان می‌رسد.»

پاورقی:

۱- بدون شک تأثیر و نقش هنرمندان و نمایشنامه‌های عثمانی رادر آشنا ساختن هنرمندان تبریز با ادبیات عثمانی و اروپائی و همچنین تکنیک به صحنه‌بردن نمایش، نباید از یاد برد. اما عمده تأثیر را هنرمندان آذربایجان شمالی در تئاتر تبریز گذاشتند و آن به جهت هم‌زبان بودن مردمان هر دو آذربایجان و آشنا بودن زبان‌نمایشی در ادبیات نمایشی آذربایجان شمالی برای مردم تبریز بوده است، ۲- Civilization = تمدن.

۳- روزنامه اختر - شماره ۱۶ سال ۱۵ تاریخ ۲۳ ربیع‌الآخر ۱۳۰۶-۲۶ دسامبر ۱۸۸۸ میلادی.

۴- این سالن کجا، کی و توسط چه کسی و با چه امکاناتی ساخته شده بود بر ما معلوم نیست، احتمالاً سالن قلعه را در محله قلعه‌بیگی که آرامنه در آنجا سکونت دارند ساخته بوده‌اند.

۵- درباره سالنهای تئاتر تبریز در یک فرصت دیگر صحبت خواهیم کرد.

۶- این مقاله توسط صمد بهرنگی از ترکی آذری به فارسی برگردان شده است. نویسنده مقاله جعفر جعفروف از نویسندگان آذربایجان شوروی است که صمد بهرنگی به علت فشار سانسورنام جعفر اخگری را برگزیده است.

۷- اکتورال به مفهوم «جمعیت تئاتری» و «گروه تئاتری» بود.

درباره این هنرمند که در روزگار خود از احترام خاصی برخوردار بود و بیش از همه به فن و تکنیک تئاتر آگاهی داشت، یحیی آراین‌پور در کتاب «از صبا تا نیما» چنین می‌نویسد:

«از هنرمندان آذربایجان که در راه پیشرفت فن نمایش و شناساندن آن به ایرانیان رنج فراوان بردند و به سختی و بیچارگی مردند باید بخصوص از چند نفر نام برد که نخستین آنها کارگردان و بازیگر معروف «مگردیچ طاشچیان» بود که از روسیه به ایران آمد و سالها نمایشنامه‌های معروفی مانند «اتللو» اثر شکسپیر «کورادو» اثر «کابریل واتریو» در راه تئاتر درام در پنج پرده اقتباس از رومان فرانسوا کوپه، کدام یک از دو؟ تراژدی زندگانی شوالیه‌های نورمان تألیف دوخ بانکو، هزار و یک مکر زنان اقتباس از داستانهای هزار و یکشب، مترجم زبان انگلیس کم‌دی در یک پرده، افسانه در یک تابلو و چند نمایشنامه دیگر را به زبان ارمنی و هم ترجمه آنها را به زبان آذربایجانی به

معروض نمایش گذاشت.» لازم به یادآوری است نمایشنامه‌های خارجی اجراء شده در زمان فعالیت طاشچیان بوسیله یحیی آربین‌پور که خود فعالیت تئاتری در تبریز داشت، ترجمه می‌شد. آفیشی در اسناد و مدارک مرحوم محمدعلی رشدی به این مضمون یافت شد: «کدام یک از دو؟ فاجعه تاریخی از وقایع محمد سلطان صلاح‌الدین ایوبی - در دو پرده - ترجمه آربین‌پور - مدیر مسئول - ی - آربین‌پور. رژی‌سور. م، طاشچیان. شب جمعه ۲۱ مرداد ماه ۱۳۱۱ از طرف آرتیست، رژی‌سور، مشهور و نامی م، طاشچیان که پس از چهار سال به شهر تبریز مراجعت کرده است با اشتراک مادام طاشچیان - و آر آهارونیان.»

۸- هر جا کلمه اعلان دیده می‌شود منظور «آگهی تئاتر» است که در روزنامه‌های آندوره به عنوان تبلیغ جهت دیدن تئاتر چاپ می‌شد.

۹- روزنامه تجدد شماره ۶۲-۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۶ - ۲۰ دکانبر ۱۹۱۷ میلادی.

۱۰- روزنامه تجدد شماره ۱۳۷ - سرطان ۱۲۹۸ - ۲۴ شوال ۱۳۳۷.

۱۱- در همان روزنامه به اعلان دیگری برخوردیم از کار این کارگردان. بدین شرح: «شب جمعه ۱۱ ذیقعه تئاتر «جهالت یا خود هاتفدن برندا» با یک پرده مضحکه پر خنده از طرف آکتورهای دراماتیک خیریه در تحت رژی‌سور نامی قفقاز آرتیست صدقی روح الله در صحنه خیریه برای تسکین صحنه به موقع تماشا گذاشته خواهد شد.»

۱۲- روزنامه تبریز شماره ۴۵ نمره مسلسل ۲۰۴ یکشنبه ۲۱ شوال‌الکرم ۱۳۳۷ مطابق ۲۸ سرطان ۱۲۹۸.

۱۳- روزنامه تجدد شماره ۱۴۷ سفیله ۱۲۹۸ - ۳۰ ذیقعه ۱۳۳۷ - ۲۷ اوت ۱۹۱۹ میلادی.

۱۴- روزنامه تجدد شماره ۱۶۵ - قوس ۱۲۹۸ - ۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۷ - ۳ دسامبر ۱۹۱۹ میلادی.

۱۵- روزنامه تجدد شماره ۱۶۶ - ۱۸ قوس ۱۲۹۸ - ۱۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ - ۱۱ دسامبر ۱۹۱۹ میلادی.

۱۶- نمایشنامه اجرا شده اپرت «یالاننان ائولنمک» یا «ازدواج دروغی» بود.

۱۷- روزنامه تجدد شماره ۱۷۸ چهارشنبه ۲۰ حوت ۱۲۹۸ - ۱۱ مارس ۱۹۲۰ میلادی.

۱۸- مجله برجیس در تبریز منتشر می‌شد. مدیر مسئول و مؤسس آن مصورالسلطان، اسدالله شریف رازی بودند

برگرفته از: شمس تبریز

<http://www.shamsorg.com>